



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۹ آبان ۱۳۹۷

موضوع جزئی: مسأله ۱۱- وطی زوجة دبراً- استدلال مجوزین به آیات. آیه دوم- پنج اشکال

مصادف با: ۱۲ ربیع الاول ۱۴۴۰

سال اول

جلسه: ۲۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در استدلال مجوزین به آیات برای جواز وطی زوجة دبراً بود. آیه اول در جلسه گذشته مورد نقد و بررسی قرار گرفت و نتیجه آن شد که از آیه «فَاعْتَرِزُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ» نمی‌توان جواز را استفاده کرد.

آیه دوم

آیه دوم، فقره‌ای از آیه ۲۲۳ سوره بقره است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ».

سید مرتضی به این فقره از آیه استدلال کرده و جواز وطی زوجة دبراً را استفاده کرده است. تقریب استدلال این است که «آنئی» در این آیه یا به معنای «کیف» یا به معنای «این» است، و به معنای «متی» نیست. اگر به معنای «کیف» باشد، اشاره به کیفیت دارد؛ معنایش آن است که زنان شما کشتزارهای شما هستند، پس به هر کیفیتی که خواستید می‌توانید در این کشتزارها ورود کنید. لذا اشاره به کیفیت و چگونگی اتیان بالنساء دارد. اگر به معنای «این» باشد، معنای آیه چنین است که در این کشتزارها در هر موضعی می‌توانید اتیان کنید. اگر به معنای «متی» باشد، یعنی زمانی باشد، معنایش آن است که می‌توانید در این کشتزارها هر زمانی که خواستید اتیان کنید. پس «آنئی» تارة اشاره به کیفیت و حالت و چگونگی اتیان دارد؛ اخری اشاره به مکان اتیان و موضع اتیان دارد؛ و ثالثاً اشاره به زمان اتیان دارد.

سید مرتضی می‌فرماید «آنئی» زمانی و به معنای متی نیست، بلکه به معنای کیف یا این است. هر کدام از این دو که باشد، دلالت بر جواز می‌کند؛ چون اگر به معنای «این» معنای آیه این می‌شود: «فَأَتُوا نِسَاؤَكُمْ مِنْ أَىِّ مَكَانٍ مِنْهَا شِئْتُمْ»، از هر مکان و موضعی از زنان، قبلاً او دبراً. اگر به معنای کیف هم باشد، همین معنا قابل استفاده است. این بیان سید مرتضی در تقریب استدلال به این آیه است.

بعد ایشان می‌فرماید: لو سلم که «آنئی» هم در مکان و هم در زمان به کار برود؛ یعنی بین مکان و زمان مشترک لفظی باشد، باز هم جواز از آن قابل استفاده است. چون اگر لفظ مشترک که دارای چند معناست، در جایی استعمال شود، آن لفظ بر جمیع معانی حمل می‌شود، چون به نظر ایشان استعمال لفظ مشترک در اکثر از معنای واحد، منعی ندارد. سید مرتضی چنین عقیده‌ای دارد، البته نوعاً این معنا و مبنا را نمی‌پذیرند؛ در بین متأخرین نیز امام(ره) از کسانی است که معتقد است استعمال لفظ مشترک در اکثر از معنا، جایز و ممکن است. ما قبلاً این بحث و بیان ایشان را در جواز استعمال لفظ مشترک در اکثر از معنا ذکر کردیم.

علی‌ای حال سید مرتضی می‌گوید لو سلم که «أنی» مشترک بین مکان و زمان باشد، باز هم استدلال صحیح است؛ چون طبق این احتمال، معنای آیه این می‌شود: «نساؤکم حرث لکم»، نساء شما کشتزارهای شما هستند؛ «فأتوا حرثکم ای فأتوا نساؤکم أنی شئتم»، یعنی فی‌ای زمان و من‌ای مکان منها شئتم قبلاً او دبراً. پس حتی اگر قائل به اشتراک لفظی آنی بین زمان و مکان شویم، باز هم استدلال صحیح است. چون اگر لفظ مشترکی استعمال شد، آن لفظ بر همه معانی مشترکه حمل می‌شود؛ و اینجا نیز بر هر دو معنا حمل کنیم، لذا استدلال صحیح و تمام است.

این استدلالی است که سید مرتضی بر جواز وطی زوجه دبراً اقامه کرده است.^۱

پنج اشکال بر استدلال به آیه دوم

بر این استدلال، چند اشکال شده است:

از جمله اشکالات، اشکالی است که مرحوم آقای حکیم در مستمسک بیان کرده‌اند؛^۲ چند اشکال هم مرحوم آقای خوبی در اینجا ذکر کرده‌اند. مجموعاً پنج اشکال به استدلال ایراد شده است. ما این پنج اشکال را متعرض می‌شویم و بعد باید بررسی کنیم و ببینیم این اشکالات متوجه این استدلال هست یا خیر.

اشکال اول

اشکال مرحوم آقای حکیم این است که می‌فرماید: درست است آنی در این آیه به معنای آین و مکان است، ولی منظور از مکان، موضع من مواضع بدن المرأة نیست بلکه منظور از مکان، مکان فعل است. یعنی آیه نمی‌خواهد بگوید «نساؤکم حرث لکم فأتوا نساؤکم من ای موضع من النساء» تا شما بگویید که هم شامل قُبُل و هم شامل دبر می‌شود. منظور این است که «فأتوا نساؤکم فی ای مکان یقع الوطی فیه»؛ اتاق باشد، بیرون اتاق باشد، زمین باشد، پشت بام باشد. آن چیزی که آیه در اینجا به آن اشاره می‌کند، این است که شما می‌توانید اتیان به زنان کنید فی‌ای موضع تریدون آن یقع الوطی فیه؛ در هر موضعی که می‌خواهید این فعل را در آنجا واقع کنید. پس اشاره به موضعی از مرأة و زن نیست تا شامل دبر هم شود. به عبارت دیگر آنی، ظرف فعل است و نه ظرف متعلق فعل.

اشکال دوم

نظیر همین اشکال را مرحوم آقای خوبی هم کرده، البته با یک بیان دیگر. ایشان چهار اشکال ذکر کرده‌اند. در اینجا عرض کنم که از آنجا که مباحث نکاح مرحوم آقای خوبی، دو تقریر چاپ شده است. یکی کتاب النکاح است که در همان موسوعه آقای خوبی در شرح عروه به قلم فرزند ایشان سیدمحمد تقی خوبی نوشته شده و چاپ شده است. یک تقریر هم از مرحوم آقای موسوی خلخالی است که از شاگردان ایشان بوده و آن هم تحت عنوان کتاب النکاح چاپ شده است. البته خیلی قریب به هم هستند و تفاوت آنچنانی از حیث مطالب ندارند. هر چند به نظر می‌رسد آنچه که مرحوم آقای موسوی خلخالی نوشته‌اند - ایشان از شهدای عراق است و در آن ایام در زمره علمایی که به شهادت رسانند، نام ایشان هم هست - ولی متقن‌تر است و از دقت بیشتری برخوردار است.

^۱. انتصار، ص ۱۲۵.

^۲. مستمسک، ج ۱۴، ص ۶۳.

اشکال اول مرحوم آقای خوبی این است که آنی در آیه زمانی است و نه مکانی؛ آنی شتتم ای متی شتتم، هر زمانی که خواستید. یعنی معنای آیه این است: «فَأْتُوا نِسَاءَكُمْ مَتَى شِئْتُمْ». چرا؟ می‌گوید قرینه‌ای وجود دارد که آنی در این آیه به معنای متی است و آن قرینه، صدر آیه است. در صدر آیه آمده «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ»، خداوند تبارک و تعالی در صدر آیه به اعتزال و اجتناب از زن در ایام حیض امر کرده است. بعد در ادامه، این آیه آمده «نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ». یعنی در واقع می‌خواهد بفرماید آن ممنوعیتی که در ایام حیض ثابت بود، الان برداشته شده است. صدر آیه منع کرده بود از اینکه با زن معاشرت و مواجهه باشد؛ چون منع مربوط به یک زمان خاصی بود، حالا که دارد منع را برمی‌دارد و می‌فرماید: بعد ایام الحیض فأتوهن متی شتتم، من لیل او نهار. دیگر محدودیت زمانی برداشته شده است.

پس آنی در آیه به قرینه آنچه که در صدر آیه آمده، معنای متی دارد؛ یعنی زمانیه لا مکانیه. پس چطور شما این آیه را دال بر جواز وطی فی الدبر می‌دانید؟ اصلاً این آیه دلالت بر این معنا ندارد؛ چون آنی مکانی نیست بلکه زمانی است و یک قرینه مهمی در خود آیه وجود دارد که از آن استفاده می‌شود منظور از آنی شتتم، متی شتتم است و نه فی ای موضع منهن شتتم.

اشکال سوم

اشکال دوم مرحوم آقای خوبی، این است که اگر فرضاً پذیرفتیم که معنای آنی، این باشد، ولی این به حسب اعضاء و مواضع بدن مرأه نیست که مثلاً شما می‌توانید با زنان مواجهه و مجامعت داشته باشید و اتیان به آنها کنید و آنها را در هر موضعی از مواضع بدنشان وطی کنید. بلکه آنی به حسب مکان وطی است؛ یعنی فی ای مکان شتتم من الغرفة و السطح و نحوهما. این اشکال، همان اشکالی است که مرحوم آقای حکیم مطرح کردند و چیز اضافه‌ای نسبت به آن ندارد.

اشکال چهارم

اشکال سوم مرحوم آقای خوبی این است که نفس تعبیر حرث در اینجا، خود شاهد بر این است که منظور از آنی شتتم، فقط قبل است و نه دبر. برای اینکه حرث به معنای زراعت است؛ از زن تعبیر به حرث [کشتزار] کرده است. کشتزار محل روئیدن بذر و عمل آمدن محصول است؛ مثلاً بذر گندم می‌کارند و از آن گندم به عمل می‌آید. وقتی از زنان تعبیر به حرث می‌کند، می‌خواهد بگوید اتیان به نساء از موضعی باشد که از آن موضع فرزند به عمل می‌آید. این اشاره به موضع ولد و محصول دارد؛ آن چیزی که باعث می‌شود از زن تعبیر به حرث شود، زایش زن است و اینکه بذر و نطفه‌ای در او قرار داده می‌شود و سپس ولد از او به دنیا می‌آید. موضع حصول و تحقق ولد هم، قبل است و نه دبر؛ دبر که موضع ولد نیست. نظیر این مطلب در مثال‌های عرفی هم وجود دارد؛ مثلاً اگر مولایی به عبدش یک بذر و دانه‌ای بدهد و بگوید این را کشت کن؛ احرث هذا الحبّ. قطعاً منظور مولا از این کلام آن است که این را در یک مکان مناسب قرار بده؛ مکان مناسب با این حب و دانه، زمین است. درست است که مولا به عبدش نگفته این را در زمین قرار بده، ولی مسلماً منظور مولا این است که آن را جایی بکار که بعداً روئیده شود و محصولی از آن گرفته است؛ منظور مولا این نیست که دانه و بذر را در دریا بینداز یا هر کجا که خواستی رها کن. اساساً معنای حرث همین است.

اینجا هم که از زن تعبیر به حرث می‌کند و می‌گوید «نساؤکم حرث لکم» یعنی می‌خواهد بگوید زنان شما کشتزارهای شما هستند که شما می‌توانید از آنها فرزند بیاورید. پس خود کلمه حرث در این آیه و با قطع نظر از کلمه آنی، قرینه است بر اینکه وطی و مواقعه فقط از قبل جایز است و دلالت بر جواز وطی دبراً ندارد. این اشکال کاری به مسأله آنی ندارد، بلکه می‌گوید اینکه حرث در این آیه آمده، مانع ظهور این آیه در معنایی است که مدعی آن را ادعا می‌کند.

سؤال:

استاد: می‌خواهد بگوید این آیه در حقیقت می‌گوید که زنان این خصوصیت را دارند؛ از زنان برای این منظور استمتاع بجوید. اینجا در مقام این نیست که همه فایده و خاصیت ازدواج را حصر در این کند. عمده این است که می‌خواهد بگوید از این آیه جواز الوطی دبراً بدست نمی‌آید. بیشتر ناظر به نفی این بخش است.

اشکال پنجم

اشکال چهارم ایشان این است که بر فرض آنی، زمانی نباشد بلکه مکانی باشد؛ ولی از منظور «آنی شئتم» یعنی من ای جهة شئتم. فرق اشکال چهارم با اشکال دوم این است که در اشکال دوم آقای خوبی که همان اشکال مرحوم آقای حکیم نیز بود، اساس اشکال این بود که بر فرض آنی مکانی باشد، اشاره به کلّ موضع من مواضع بدن المرأة ندارد، بلکه اشاره به مکان فعل دارد؛ یعنی در هر مکانی خواستید این عمل را انجام دهید. ولی طبق اشکال چهارم، منظور از آنی، مکانی است ولی نه مکان فعل و نه کلّ موضع و مکان من مواضع بدن المرأة؛ بلکه آنی در اینجا به معنای جهت است. یعنی فأتوا حرثکم و مواضع حرثکم ای القبول؛ اتیان به نساء فی القبل، این مسلم است. اما آنی شئتم یعنی من قدامها أو من خلفها. جهت اتیان در قبل، من القدام باشد أو من الخلف باشد؛ آنی شئتم من نفس القبل أو یجامعها فی قبلها من الخلف أو من القدام. پس اساساً نظر به دبر ندارد؛ کأن مفروغ عنه است که آیه ناظر به آن نیست. فأتوا حرثکم یعنی فأتوا قبلها منتهی من ای جهة تریدون، از هر جهتی که خواستید.

البته ممکن است که این را یک اشکال مستقل بدانیم و نیز ممکن است که تتمه و تکلمه اشکال سوم بدانیم. یعنی می‌گوییم حرث قرینه است بر اینکه می‌خواهد قبلاً انجام شود. آن وقت کسی سؤال می‌کند آنی به چه معناست؟ می‌گوید آنی به معنای من ای جهة است. اما این قابلیت را دارد که ما آن را یک اشکال مستقل بدانیم که بالاخره یک احتمال دیگری در این آیه است که اگر آنی مکانی هم باشد، اساساً مقصود نه موضع من مواضع المرأة و نه مکان الوطی است، بلکه به معنای هر جهت و هر طرف است.

نتیجه این است که اساس استدلال سید مرتضی به این آیه بر این است که آنی مکانی باشد و مکان را به معنای موضع من مواضع بدن المرأة بدانیم. اشکالاتی که شد، همه در صدد اثبات این معنا است که آنی مکانی نیست؛ یا زمانی است یا اشاره به کیفیت و حالت دارد. طبق اشکال چهارم مرحوم آقای خوبی، آنی به معنای کیف است. یعنی بیان حالت و چگونگی وطی در قُبل است. طبق اشکال چهارم، آنی زمانی نیست بلکه به معنای کیف است. درست است که ایشان گفته آنی مکانی است ولی این مکانی را طوری معنا کرده که وقتی می‌گوید من ای جهة شئتم، در واقع کأن کیفیت و حالت را بیان می‌کند. درست

است که می‌گوید لو کانت اُنّی مکانیة، ولی با توجه به تفسیری که برای این مکانی می‌کند که مراد از آن، اُی جهة شئتّم است، این معلوم می‌شود که از آن، کیف را استفاده می‌کند.

بعد نهایتاً در ذیل این آیه یک روایتی را از تفسیر علی بن ابراهیم نقل می‌کند که طبق آن به معنای وطی در دبر نیست. «قَالَ الصَّادِقُ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَأَتُوا حَرْتُكُمْ أَنِّي شَيْتُمْ» أَيْ: مَتَى شَيْتُمْ فِي الْفَرْجِ»، یعنی طبق این روایت، اُنّی زمانی است و نه مکانی؛ چون اُنّی را به معنای متی گرفته است. علت اینکه در روایت «فی الفرج» آمده، همان صدر آیه است که می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْتٌ لَكُمْ» و حرث نیز همان زراع است که از آن به فرج تعبیر شده است.^۱ باید ببینیم آیا این پنج اشکال به استدلال به این آیه وارد است یا خیر.

«الحمد لله رب العالمين»

^۱ . کتاب النکاح، ج ۱، ص ۲۰۳ - ۲۰۵. [براساس تقریر مرحوم خلخالی].